



خدیجه معین

استاد حوزه و مشاور حوزه علمیه خواهران و دانشگاه

پیش سخن

محدودیت‌هایی که در دنیا ایجاد می‌شود چند گونه است. گاهی زمینه‌ساز مصونیت و تمهید برای بالندگی است و گاهی چنین نیست. گاهی انسان مصلحی را به دلیل نقش اصلاحی محدود می‌کنند و گاهی مجرمی را برای نقش افسادش محصور می‌کنند. جوانان نباید توهم کنند که هر محدودیتی، آسیب می‌زند، ادامه حیات مادی و معنوی ما در گرو مصون ماندن از آسیب‌ها و گزندهاست. درختی را تصور کنید که برای به بار نشستن آن، دو گام برداشته می‌شود؛ گاهی در جهت تغذیه و گاهی برای آفت‌زدایی. در هر دو حرکت محدودیت‌هایی حاکم است. به این معنا که هر عامل تقویت را به درخت نمی‌دهند و در باب آفات هم برای رشد آفت‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. تغذیه جسم و حراست از سلامت جسم، محدودیت‌های فراوانی دارد. روح از جسم





پیچیده تر است. تقوا و عفت و ورع، همگی عهده دار ایجاد مصونیت هستند تا روح مهمان تن آدمی از آفت‌ها مصون بماند و مراحل رشد خود را طی کند. خداوند می فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾. ترجمه: هر کس روح خود را تهذیب نماید رستگار شده است. رویش روح در هر دو مرحله تغذیه معنوی و مصونیت یافتن از آفت‌هاست. در این نوشتار به عفاف می پردازیم که سلامت جسم و روح آدمی را پوشش می دهد.

چکیده

انسان به همان اندازه که از استعداد‌های شگرف و دامنه داری برخوردار است، به ازای هر استعداد، آفتی در انتظار اوست. دقیقاً چون بنایی که در بیرون آب مرتفع تر می شود به هر میزان که مرتفع تر شود، معکوس آن در آب رو به قهقرا می رود. از این رو، بیشترین ایجاد مصونیت برای انسان است که در تیررس آفت‌های بی شماری است، به ویژه جنس زن، به دلیل ویژگی‌های شخصی اش بیشتر آماج تیرهای آلوده است. مصونیت یعنی در امان ماندن استعداد‌های رشد انسان برای شکوفایی. تعبیراتی نظیر: حجاب، عفاف، پوشش، حیا و برخی از بنیادها، همگی فلش‌هایی است به



سمت این هدف، یعنی ایجاد مصونیت. در این مقاله، سعی نگارنده بر این است که عفاف و خودنگهداری را در چند حیطة با تکیه بر هشدارهای وحی و سنت بیان کند:

۱. حیطة اندیشه و گرایش
۲. بایدهای حیطة گفتاری
۳. بایدهای حیطة رفتاری
۴. سه دوره خطرناک فراروی امت اسلامی

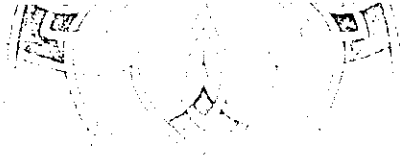
کلیدواژه:

اندیشه، مصونیت، عفاف، پوشش، حجاب

بایدهای حیطة اندیشه و گرایش

نگرش به خویشتن، نگرش به دنیا و مظاهر دنیا، نگرش به آفریده‌های الهی، در بحث اندیشه، اهمیت ویژه دارد.

بهترین قانون در نظر عقل و اندیشه، هماهنگی آن با موجودیت انسان و پرورش دهنده‌ی پتانسیل‌های ارزشمند و تأمین‌کننده‌ی نیازهای واقعی اوست. از آن جاکه پدید آورنده‌ی انسان، بهتر از هر انسان‌شناس، روان‌شناس، جامعه‌شناس، حکیم، فیلسوف و... به مخلوق خود و نیازمندی‌هایش، آگاه است، قوانینی که برایش وضع می‌کند، عالمانه، حکیمانه و بر اساس ساختار روحی و جسمی و مصالح و مقاصد واقعی انسان است.



امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «اگر خداوند سبحان از محرمات نهی نمی کرد، هر آینه بر عاقل و خردمند لازم بود که از آن ها دوری کند» ۱

و همچنین می فرمایند: «حکم دوگونه است: حکم خداوند و حکم جاهلیت، پس هرکس حکم خدا را رها کند، به حکم جاهلیت تن در داده است.» ۲

خداوند ایمان را نشانه‌ی اندیشه و گرایش درست و مطابق با فطرت بیان می کند:

«من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن...» ۳

«هرکس عمل صالح کند، خواه مرد باشد، خواه زن، در حالی که ایمان داشته باشد، ما او را زنده می کنیم و حیات پاکیزه‌ای به او می بخشیم و...»

ایمان هم یک نوع نگرش و اندیشه است، منتهی اندیشه‌ای که با نگرش مخلوط شده است. زیرا ایمان - بنابر تعبیر امام علی بن ابیطالب «علیه السلام» - در آغاز، معرفت قلبی است

و آن گاه اقرار به زبان و عمل با اندام و جوارح. این آیه صراحت دارد که زن و مرد در رسیدن به حیات طیبه در اثر ایمان و عمل صالح، برابرند.

از قرآن کریم برداشت می شود که زن و مرد - غیر از تفاوت های جنسیتی که لازمه‌ی زیبایی و تنوع آفرینش و متناسب با رسالت های

اختصاصی آن ها است - برای راهیابی به کمال بزرگ، تفاوتی ندارد. بعد از معرفت و نگرش صحیح زن به خدای هستی، بحث ایمان او مطرح می شود. و بعد از شدت یافتن ایمان،

تقوی شکل می گیرد و خود نگهداری در برابر آفت های مختلفی که هویت زن را تهدید می کند. فرمان به تقوی و پاکدامنی برای تقویت مصونیت زن در برابر تهاجمات بیرونی و

درونی، به زن است. نوع نگرش زن به زندگی، هم در ایمان او اثر گذار است و نیز ایمان راسخ به خدا می تواند، مانع نگرش غیر واقعی به حیات دنیا باشد؛ زیرا در بسیاری از موارد،

علاقه ها و گرایش ها، بینش ها را تغییر و جهت می دهد. این آیه به زنان پیامبر فرمان پارسایی و پاکدامنی می دهد تا هویت آن ها و همه‌ی زنان مؤمن از آسیب های درونی و بیرونی مصون بماند.

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ ۴

«ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر می خواهید پارسا و با تقوا باشید با ناز سخن نگوئید تا در دلش مرض است (بر شما) طمع ورزد و (لازم است که) گفتاری شایسته گوئید.»

نور تقوی چنان پر جاذبه و قوی است که به



انسان کرامت و برتری می دهد. عیب ها و حتی زشتی های ظاهری را می پوشاند و او را دوست داشتنی می کند. کسی که لباس تقوی، به تن کند، تمام خیر دنیا و آخرت را برای خود به دست آورده است. خداوند آن جا که به زنان پیامبر دستور به تقوی می دهد، بلافاصله، آفت های آن را بر می شمرد و می فرماید: اگر قصد پارسایی و تقوی دارید، با نامحرم بانا و نرمی سخن نگویید و بیش از حد ضرورت با او مراوده نداشته باشید و در رفتار و گفتار مراقب خویش باشید.

در روان شناسی زن و مرد این مسأله مورد مطالعه قرار گرفته است و تأثیر نحوه ی سخن گفتن زن بر روح مرد به اثبات رسیده؛ اما شاید کمتر به عفت زبان پرداخته باشند؛ به خصوص زنان که تکلم و سخن گفتن آن ها راحت تر و روان تر صورت می گیرد؛ به تعبیر امام امیرالمؤمنین «علیه السلام» تکلم فراوان حامل خطاهای بیشتری است. هدف خداوند از آفرینش انسان ها، مزین کردن آن ها به زیور تقوی است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَلْبِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ ۵
 «ای مردمان، خدای خودتان را که شما و پیشینیان را آفرید، پرستش کنید شاید با تقوی شوید».

واما نگرش به دنیا

اندیشه های مسموم و دنیایی به دنبال این است که جاذبه ی دنیا را در نظر مردم به ویژه زنان جلوه ی کاذب دهد و نیمه ی خاکی دنیا را در معرض دید قرار دهد و مدام به انسان دنیایی، حاکمیت و اصالت بخشد و با تلاقی عمیق فراروی روح پاک او قرار دهد. اما انسان دوراندیش به ندای فطرت خویش پاسخ می گوید و به دنبال دعوت نمایندگان خدا رفته و روش و منش خویش را با آن ها سازگاری می دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ ۶
 «ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خداوند و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خوانند که مایه ی حیات و رشد شما می شود».

خطاب فوق به مؤمنانی است که در متن حیات طبیعی هستند و از آن ها خواسته شده است برای حیات اصلی و طیبه خود، دعوت خدا و نبی اکرم «صلی الله علیه و آله» را پاسخ بگویند. زن مطرح در مکتب فمینیسم در اندیشه ی احیاء حیات دوّم نیست و همه ی دغدغه ها بر محور دغدغه ی جلوه گری در حیات اوّل (طبیعی) دور می زند.



پوشش؛ تابع تفکر و جهان بینی و جلوه‌ای از بینش و گرایش فرد است چه مرد و چه زن، تعریف‌هایی برای پوشش آنها در مکتب‌های آسمانی و مکتب‌های بشری مطرح است. یکی از برتری‌های انسانی، پوشش است، پوشش فقط مختص زنان نیست بلکه شامل مردان هم می‌شود، حیا و عفاف، خویشتن‌یابی و حفظ نگاه و... به هر دو جنس سفارش شده است. لباس و حجاب، مقوله‌ای است برای زن و مرد. اما نوع پوشش زنان به دلیل ساختار خاص جسمانی‌شان بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.

مسئله‌ی پوشش چیزی نیست که تازه مطرح شده باشد یا با ظهور اسلام شکل گرفته باشد بلکه از ابتدای خلقت و پس از آن که آدم و حوا به زمین آمدند مطرح شد. قرآن می‌فرماید:

﴿فَوَسَّوْا لَهَا الشَّيْطَانَ لِيُدِيَ لَهَا مَا وُورِيَ عَنْهَا مِنْ سَوْءِ أَيْمَانِهَا...﴾ ۸
 «پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آن چه را از عورت‌هایشان برایشان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند...»

و در آیه‌ی ۲۶ همین سوره خطاب به همه‌ی فرزندان حضرت آدم «علیه‌السلام» می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَ أَيْمَانِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ

ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ ۹

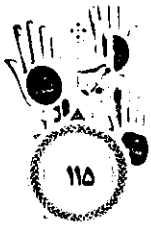
«ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و (برای شما) زینتی است ولی بهترین جامه (لباس) تقوا است این از نشانه‌های (قدرت) خداست باشد که متذکر شوند»

حجاب و عفاف هر دو در اصل به معنای منع و امتناع است. حجاب (hijab) که جمع آن حُجُب (hujub) است، به معنی پوشش، چادر، پرده، چادر زنان، نقاب، روبند، روپوش، حایل و حاجز و هر گونه پرده و یا وسیله‌ی جداسازی است.

◆ گفتار دوم:

بایدهای حیطةی گفتار

روان‌شناسی گفتگو، یکی از مباحث مهم اخلاقی در خانواده و اجتماع است. ارتباط انسان‌ها عموماً از طریق زبانی و شفاهی است و زبان از اولین ابزار ارزشمند ارتباط با دیگران است. انسان از طریق سخن گفتن، احساسات و عواطف خویش را ابزار می‌کند. بهره‌گیری صحیح و به جا و به موقع از این نعمت الهی سبب بهره‌وری بهینه از این نعمت است. لحن گفتگو اهمیت ویژه دارد. لحن گفتگو با افراد و اشخاص مختلف، متفاوت است. صدای نرم و ظریف و زیبایی زن برای بسیاری از مردان، تحریک‌کننده است و قرآن به مراقبه فرمان داده است. گاهی یک گفتگوی ساده از پشت تلفن، سبب انحراف جوانی می‌شود، در



صورتی که اصول گفتگوی با نامحرم رعایت نشود و گفتگوی خیلی آزادانه و همراه با خنده‌های دلبرانه و ناز و کرشمه باشد، طوفانی در دل مرد نامحرم ایجاد می‌کند و آرامش او را بر هم می‌زند.

قرآن با نگاهی روان شناختی به این موضوع پرداخته است و حکم الهی را بیان نموده است: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ ۵

«(بامردان) با ناز و کرشمه سخن نگویند که انسان بیمار دل در شما طمع کند و سخن شایسته‌ای (که وحی و عقل آن را به رسمیت شناخته) بگوید».

«خداوند در این آیه شخصیت واقعی زن را بیان نموده و می‌فرماید: مسوولیت خویش را به فراموشی نسپارید و بدانید اگر تقوی پیشه کنید در پیشگاه خدا ممتازید و به دنبال این ارزش، نخستین دستور در زمینه‌ی عفت صادر می‌شود، خصوصاً به سراغ یک نکته بسیار ظریف می‌رود تا مسایل دیگر در این رابطه خود به خود روشن شود. بنابراین می‌فرماید: به گونه‌ی هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگویند. نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند، با تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با کرشمه

است، سخن گویند.»

تعبیر به «الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»، تعبیر بسیار گویایی است، از این حقیقت که غریزه‌ی جنسی در حد تعادل و مشروع عین سلامت است. اما هنگامی که از این حد بگذرد نوعی بیماری خواهد بود و امروز دانشمندان انواع و اقسامی از این بیماری روانی را که بر اثر طغیان این غریزه و تن دادن به انواع آلودگی‌های جنسی و محیط‌های کثیف به وجود می‌آید، نام برده و شرح داده‌اند.

در مورد «قول معروف» که خداوند فرمان داده است، آن نوع سخن گفتنی است، که مورد رضای خدا و پیامبر «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» و توأم با حق و عدالت باشد.

خداوند، زن را محدود نکرده و نفرموده که با کسی سخن نگو، بلکه برای سخن گفتن او نظام خاص قرار داده است، تا هم به فعالیت‌های اجتماعی خویش بپردازد و هم از شر مردان هوس‌باز و مریض در امان باشد و با امنیت خاطر، زندگی کند.

با مطالعه‌ی تاریخ و زندگی انسان‌های بزرگ نظیر الگوهای تقوی و عفاف چون فاطمه‌ی زهرا «سلام الله علیها» و زینب کبری «سلام الله علیها» و دیگران، متوجه می‌شویم که این زنان اندیشمند و با تقوی، در عین حالی که نقش‌های اجتماعی پر رنگ و تأثیرگذار



داشته‌اند، همه‌ی موازین و حدود الهی را رعایت کرده‌اند و حتی در سخن گفتن با نامحرم و موارد غیر ضروری، به کمترین حد اکتفا می‌نمودند.

◆ گفتار سوم:

باید‌های حیصلی رفتاری

رفتار تابشی از درون است، تمام عقاید، دغدغه‌ها، انتخاب‌ها، گرایش‌ها، خلقیات و حساسیت‌ها، در رفتار، جلوه‌گراست. عفت رفتاری یک ویژگی فطری بشر است و عنصر زن، بیشتر به این خصیصه آراسته شده است، ویل دورانت معتقد است: انسان‌ها به ویژه زنان دارای حیای طبیعی و عفت رفتاری به طور فطری هستند و آن لازمه حیات جمعی است.^{۱۰}

طیف‌های رفتاری گوناگون است؛ پارسایی در همه جوارح انسان، خود را می‌نمایاند. جلوه‌ای از عفت رفتاری، خویشتن‌بانی زن، در برابر ترفندها، نقشه‌ها و نگاه‌های آلوده‌ی برخی از مردان بیمار دل است.

مهم‌ترین علت پوشش انسان‌ها، حفظ شئون انسانی و ایجاد بهداشت روانی در جامعه است. ملتی که از پوشش مناسب برخوردار است، هم خود و هم جامعه‌اش در امنیت روانی به سر می‌برد. امنیت و بهداشت روانی، از مهم‌ترین

اصول زیستی به شمار می‌آید و در تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت روان به این موضوع اشاره شده است:

«سلامت فکر و روان، عبارت است از قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران.^{۱۱}

تا جایی که در کتب تاریخی خوانده‌ایم مسأله پوشش و حجاب در اقوام و ملل مختلف به شیوه‌های متفاوت بوده و از اهمیت ویژه برخوردار است.»

شهید مطهری علت و پیدایش حجاب را در نظریات مختلف فلسفی (رهبانیت)، اجتماعی (عدم امنیت)، اخلاقی (حسادت و خودخواهی مرد)، اقتصادی (پدر شاهی) و روانی (عادت زنانگی) بحث کرده و با ادله‌ی محکم علمی همه آن‌ها را رد نموده است. ایشان معتقدند، این نظریات بیشتر از سوی مخالفان حجاب، طراخی می‌شود.

«ریشه اجتماعی پدید آمدن حریم و حایل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد به استثمار زن با حسادت مرد یا عدم امنیت اجتماعی، یا عادت زنانگی نباید جستجو کرد و لااقل باید کمتر در این‌ها جست‌وجو کرد، بلکه ریشه این پدیده را در یک تدبیر ماهرانه غریزی خود زن، باید جستجو کرد.»^{۱۲}

«حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود



و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن، با هوش فطری خود و بایک حسّ مخصوص به خود، دریافته است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند، با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند از عهده زور و بازوی او بر نمی‌آید، از طرف دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته که خلقت در وجود مرد نهاده است و او را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است. وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همان طور که متوسّل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه، قلب مرد را تصاحب کند، متوسّل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد، دانست که نباید خود را رایگان کند، بلکه با حفظ و دور نگه داشتن خود، مقام و موقع خود را بالا برد.» ۱۳

عفاف و پوشش از گذشته تا کنون

ویل دورانت می‌گوید: «زنان دریافتند که دست و دل‌بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند و به صورت اکتسابی حیا را آموختند. روت ترنر بعد از مطالعه‌ی پنج هزار ساله در مورد پوشاک زنان، در مورد پوشاک زنان و

مردان، معتقد است که از آغاز تا قرن نوزده معمولاً لباس زنان بلند و کاملاً پوشیده بوده است. فرهنگ و محیط اجتماعی و جغرافیایی و تمدن و دین و مذهب‌های مختلف فقط عاملی برای تغییر شکل ظاهری بوده است.» ۱۴

در جوامع باستانی و مکاتب الهی به حجاب و پوشش تأکید شده است. آثار و نقوش بر جای مانده از دوران ماقبل تاریخ، نشانگر این بوده که زنان دارای پوشش کامل بوده‌اند. ۱۵ ویل دورانت می‌گوید: «زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. زنان رومانی به حجاب شدیدتری مقید بودند و یکی از تاریخ‌نویسان غربی شواهد بسیاری بر وجود نوعی حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است.» ۱۶

بررسی کتب تاریخی حکایت می‌کند که زنان بومی، زنان عصر اشکانی، زنان دوره‌ی ساسانی و... از حجاب مخصوصی که همه‌ی اندامشان را می‌پوشانده برخوردار بوده‌اند حجاب در آیین زرتشت هم تأکید شده است.» ۱۷

شدت حجاب در آیین یهود بیشتر بوده است و از این که مرد و زن به یکدیگر تشبّه پیدا کنند به شدت نهی شده است، ۱۸ و یکی از مجازات‌های زنان بی‌میالات در میان یهودیان، منع ورود آنان به کنسیه (معبد) بوده است. و نیز پوشانیدن موی سر بر آنان واجب بوده است.



و به همین منظور پای بر زمین نگویند.

۵. کلاً هر چیز که سبب جلب توجه مردان می شود از قبیل استعمال عطرها، آرایش، لباس و کفش مهیج و رفتار و گفتار تحریک کننده باید پرهیز شود.

۶. توبه و بازگشت به سوی خدا را که سبب رستگاری و بهروزی انسان خواهد شد، سرلوحه زندگی خود قرار دهند.

آیات دیگری که در سوره احزاب در رابطه با حفظ حریم عفاف بیان شده است شامل موارد زیر خواهد بود.

۱. سخن گفتن با لحن نرم و ملایم و تحریک کننده، با نامحرم حرام است.

۲. رفتن در اجتماع به منظور خودنمایی و خودآرایی در مقابل نامحرم حرام است.

۳. داشتن پوشش مناسب که سر، گردن، شانه ها و حجم بدن را بپوشاند، بر خانم ها واجب است.

۴. مردان از واردن شدن به حریم زنانه، پرهیزند.

۵. در صورتی که عفاف و پوشش مناسب داشته باشند، به عنوان انسان عقیف و نجیب شناخته می شوند و مورد آزار قرار نمی گیرند.

از همه آیات استنباط می شود، پوشش و حجاب اولاً فطری است و دوماً برای سالم نگه داشتن فرد و جامعه است و این یک حقیقت جاودانی است که زن باید به نوعی در جامعه رفت و آمد کند که علانم عفاف و پاکی و وقار از آن هویدا

باشد و در این صورت است که مردان هوسران به آن ها مایوس می شوند و فکر سوء استفاده و بهره کشی از آن ها را نمی کنند.

در پایان یاد آور می شویم که پدیده برهنگی و بی بند و باری یک مسأله نو نیست و از دیر باز وجود داشته است، قرآن مسبب برهنگی را شیطان می داند، او نخستین کسی بود که موجب نقصان در پوشش بشر شد و خداوند به همه انسان ها هشدار داده است که مراقب باشید، شیطان این دام را بر شما نیفکند:

﴿یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوء اتهما، انه یریکم هو و قبیلہ...﴾ ۲۱

«ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را فریب دهد، هم چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، جامه عزت از تن آن ها بر کند و قبایح آنان را در نظرشان پدید آورد و همانا او (شیطان) و بستگانش شما را می بینند در حالی که شما او را نمی بینید، مانوع شیاطین را دوستدار آن هایی که ایمان نمی آورند، قرار دادیم.»

نتیجه می گیریم که اسلام با تشریح حکم حجاب خواسته است که:

۱. به بهداشت روانی زنان و مردان کمک کند؛ زیرا اگر میان زن و مرد حریمی نباشد و زنان همه زیبایی های خود را در انتظار مردان قرار دهند، موجب دل مشغولی مردان می گردد و



ممکن است برای ارضای خود، امنیت جامعه را به خطر اندازد و این عدم آرامش و امنیت به ضرر خود زنان خواهد بود.

۲. علاوه بر به هم خوردن آرامش روحی و روانی مردان و زنان، آرامش خانواده به هم خورد و سبب فروپاشی نظام خانواده و سست شدن پایه‌های روابط آن خواهد شد. در آن صورت ثمره اصلی ازدواج و خانواده که همان سکون و آرامش است^{۲۳}، بر باد می‌رود و زن و شوهر به جای این که دوست و همسر و پوشاننده عیوب یکدیگر و مکمل یکدیگر شوند، رقیب یکدیگر می‌شوند و خواستار ارضای آزاد و نامحدود و بدون قید و شرط غریزه جنسی خود هستند، که می‌توان این نوع ارضاء غریزه جنسی را بی‌بند و باری نامید.

۳. شخصیت و کرامت زن با تعیین پوشش و عفاف حفظ می‌شود و در این صورت زن به عنوان ابزار در اختیار همگان قرار نمی‌گیرد، و از نگاه‌های آلوده و طعم‌کار و نیز بهره‌کشی‌های مستمر، در امان است.

۴. حریم اجتماع از بی‌عفتی و آلودگی‌های جنسی در امان خواهد ماند و در این صورت محیط اجتماع به طرف متمدن شدن و پیشرفت و ترقی انسانی و معقول به پیش خواهد رفت و این پیشرفت علمی همراه با تعالی انسان خواهد بود.

سه دوره خطرناک، فراروی امت اسلامی

اصحاب و دوستان گرد شمع وجود امام باقر (علیه‌السلام) جمع شده بودند و از اوضاع و احوال فعلی و آینده، سخن می‌گفتند. آیات قرآن را برای یکدیگر می‌خواندند و در مورد بعضی از آن‌ها بحث و گفتگو می‌کردند. یکی از آن‌ها آیه‌ای از سوره احزاب را قرائت کرد سؤال کرد، چرا قرآن فرموده، جاهلیت نخستین؟ مگر جاهلیت دیگری وجود دارد؟ مافقط جاهلیت پیش از اسلام را می‌شناسیم، جاهلیت دیگری آیا هست؟ دیگری پرسید منظورت چیست؟ گفت: منظورم این است که چرا قرآن گفته

«... ولا تبرجن الجاهلیة الاولى»^{۲۴} یعنی: «زنان مانند جاهلیت نخستین برای خودنمایی و ظاهر کردن زینت‌هایشان از منزل خارج نشوند.» آیا جاهلیت دومی هم وجود دارد؟ امام باقر (علیه‌السلام) که سخنان دوستان را می‌شنیدند، فرمودند:

«ای ستکون جاهلیه اخری»^{۲۵} یعنی به زودی جاهلیت دیگری خواهد آمد. سخنی از جد بزرگوارم حضرت نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و سلم) شنیدم که پیش‌گویی قرآن را در سه دوره تاریخی بیان فرمودند، سه دوره بسیار خطرناک که امت اسلامی، گرفتار آن خواهند شد. به گونه‌ای که هر دوره نسبت به دوره قبل فجیع‌تر



جامعه‌ای که از فاسد شدن زنان و جوانان شروع شود، به منقلب شدن ارزش‌ها و جایگزینی آن با ضد ارزش‌ها ختم می‌شود.

در این جامعه امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است و زبان بیداری خاموش شده است و این فاجعه در دوره دوم بدتر خواهد شد و حتی به جای امر به نیکی‌ها، به بدی‌ها فرمان داده می‌شود و از نیکی‌ها باز داشته می‌شوند و در دوره سوم که خطرناک‌ترین است، زشتی‌ها جای نیکی‌ها را می‌گیرد و زشتی‌ها در نظر مردم نیک، جلوه داده می‌شود و نیکی‌ها بد و دور افتاده و کهنه تلقی می‌شود.

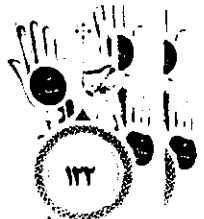
پس ای همه مردان و زنان با ایمان! بیایید با کمک یکدیگر اولاً: جوانان و زنان جامعه‌مان را آگاه و بیدار نماییم. ثانیاً: فرضیه واجب امر به معروف و نهی از منکر را بیش از پیش پر رنگ نماییم و هر کدام از ما مبلغی برای این واجب باشیم. ثالثاً: با مشاهده عوض شدن جای کارهای نیک با کارهای ناپسند، حساسیت نشان دهیم و نسبت به آن معرفت یابیم و به دیگران هم اعلام کنیم، رابعاً: با افرادی که نیکی را به جای بدی و بدی را به جای نیکی، جایگزین می‌کنند، مبارزه کنیم و اجازه ندهیم گذشت زمان این منقلب شدن را نهادینه کند.

است و آن روایت چنین است:
قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «كيف بكم إذا فسدت نساكنم و فسدت شبابكم... كيف بكم إذا امرتم بالمنكر و نهيتتم عن المعروف؟... كيف بكم إذا رأيتم المعروف منكراً و المنكر معروفاً؟» ۲۶.

«چگونه است شما را آن زمانی که زنان شما فاسد می‌شوند و جوانان شما فاسق می‌گردند و حال آن که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید؟ به حضرت گفته شد: آیا چنین می‌شود یا رسول الله؟

پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: بدتر از آن نیز می‌شود. چه می‌شود شما را روزگاری که به کارهای بد فرمان می‌دهید و از کارهای نیک باز می‌دارید؟ باز به حضرت گفته شد: یا رسول الله آیا چنین چیزی می‌شود؟ فرمودند: بلکه بدتر از آن هم می‌شود. چگونه می‌شود بر شما آن زمان که نیکی‌ها در نظر شما بد و زشتی‌ها در نظرتان نیک جلوه می‌کند.» طبق فرمایش رسول اکرم (صلى الله عليه وآله)، جامعه‌ها باید تابع اصول و قوانین الهی باشند تا به طرف رشد و ترقی به پیش روند و اگر ملت‌ها یا گروهی از آن ملت، نسبت به ملزوماتی که باید رعایت کنند، بی‌توجه شوند، سنت الهی بر سقوط آن ملت‌ها، خواهد بود. سقوط فکری، فرهنگی، انسانی، دینی و...

پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمودند: در



پی نوشت ها:

- ۱- «لو لم ینه الله عن محارمه لوجب ان یجتنبها العاقل»، غررالحکم، ج ۲ ص ۱۴۴
- ۲- «الحکم حکمان، حکم الله وحکم الجاهلیه فمن اخطأ حکم الله حکم بحکم الجاهلیه»، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۰، به نقل از اصول کافی.
- ۳- سوره نحل، (۱۶) آیه ۹۵
- ۴- سوره ی احزاب، (۳۳)، آیه ۳۲
- ۵- سوره ی بقره، (۲) آیه ۲۱
- ۶- سوره ی انفال، (۸)، آیه ۲۴
- ۷- سوره ی اعراف، (۷)، آی ه ۲۰
- ۸- فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۱۰۸
- ۹- سوره ی احزاب، (۳۳)، آیه ۳۲
- ۱۰- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹
- ۱۱- ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۲۹
- ۱۲- بهروز میلانی فر، بهداشت روانی، ص ۱۵
- ۱۳- مرتضی مطهری، مسأله حجاب، ص ۵۱
- ۱۴- مرتضی مطهری، مسأله حجاب، ص ۵۲
- ۱۵- روت ترنر ویل کاکس، تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر
- ۱۶- زن در آئینه تاریخ
- ۱۷- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵۲
- ۱۸- وندی داد، ۲۷۵ بند ۱۰۱۱
- ۱۹- تورات، سفر تثئیه، باب ۲۲، بند ۵
- ۲۰- کتاب رساله ی یولس، باب دوم بند ۸ تا ۱۱
- ۲۱- حکیم الهی، زن و آزادی، ص ۵۳ به نقل از
- مجله بینات، شرکت ۵۱
- ۲۲- سوره اعراف، آیه ۲۶
- ۲۳- سوره روم، آیه ۲۱ و من آیته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لیسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمة» «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار دهد.»
- ۲۴- سوره احزاب، (۳۳)، آیه ۳۳
- ۲۵- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳
- ۲۶- فروع کافی، ج

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اصول کافی، یعقوب کلینی
۴. بهداشت روانی، بهروز میلانی فر
۵. تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر
۶. تاریخ تمدن، ویل دورانت
۷. تفسیر نورالثقلین، عبدلی، جمعه، عروسی العویزی
۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی
۹. زن در آئینه تاریخ
۱۰. زن و آزادی، حکیم الهی
۱۱. غررالحکم، آمدی عبدالواحد بن محمد
۱۲. فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی
۱۳. لذات فلسفه، ویل دورانت
۱۴. مسأله حجاب، مرتضی مطهری

